



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

با عرض تبریک میلاد مقدس حضرت باقر علیه الصلاة والسلام.

بحثمان در فقه الحديث اخباری بود که شیخ اعظم انصاری برای اثبات ولایت فقیه به آنها استدلال کرده، شیخ اعظم ده حدیث از کتاب عوائد مرحوم نراقی نقل کرده و سپس در همه آنها خدشه کرده است.

بحث اصلی در فقه الحديث اخبار مذکور است و در روایت نیز ذکر شده: ﴿انتم أفقه الناس إذا أراد معاني كلامنا﴾.

اما حدیث سوم: ﴿مجار الامور بيد العلماء بالله الأئمة علي حلاله وحرامه﴾^۱ بود، در اینجا یک صف آرایی بوجود آمده، شیخ انصاری و بسیاری از شراح و محشین مکاسب مثل آخوند خراسانی و محقق نائینی و آیت الله خوئی و هدایة الطالب و هدی الطالب و ایروانی و مامقانی و شیخ محمد حسین اصفهانی و عده ای دیگر تماماً در فهم این احادیث در یک طرف قرار گرفته اند و امام رضوان الله علیه در طرف دیگر، آنها می خواهند بگویند احادیث مذکور دلالتی بر ولایت فقیه ندارند زیرا اولاً مراد از علماء ائمه علیهم السلام هستند نه فقهاء، ثانیاً احادیث مذکور فقط دلالت دارند بر اینکه شأن علماء بیان احادیث و احکام الهی می باشد نه ولایت فقیه و مدیریت و حکومت بر جامعه، اما در مقابل امام رضوان الله علیه می خواهد بفرماید احادیث مذکور بر ولایت فقیه دلالت دارند.

حدیث مذکور در کتاب "تحف العقول عن آل الرسول" تألیف الشیخ أبو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة الحرانی مرسلاً از سیدالشهداء علیه السلام نقل شده، مؤلف مذکور از علماء بزرگ و معاصر شیخ صدوق و استاد شیخ مفید بوده و کتاب او بسیار کتاب خوبی می باشد و ایشان توانسته احادیث نخبه از اهل بیت علیهم السلام را نقل کند، در جلد سوم کتاب "الذريعة الى تصانيف الشيعة" تألیف حاج آقا بزرگ تهرانی نیز از این کتاب اسم برده شده و تعریف شده است.

امام رضوان الله علیه می فرماید حدیث مذکور بر تاریخ و "اعتبار" از آن دلالت دارد که مسئله بسیار مهمی می باشد، تاریخ و اعتبار از آن یعنی اینکه انسان در روی دادهای تاریخی دقت کند و آنها را ریشه یابی کند و از آنها عبرت بگیرد و در قرآن کریم نیز از آن به عنوان "اعتبار" یاد شده است: ﴿يُقَلِّبُ اللَّهُ الْآيِلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾^۲، در واقع امام رضوان الله علیه می خواهد بفرماید این حدیث مارا تشویق و ترغیب می کند به عبرت گرفتن از تاریخ به این صورت که بدانیم هر قضیه یک ظاهر و یک باطنی دارد و به عبور از ظاهر قضایا و ریشه یابی کردن آنها و رسیدن به باطن و اساس مطلب عبرت گرفتن می گویند که بسیار مهم است، به عبارت دیگر عالم تماماً علل و اسباب می باشد لذا در منظومه سبزواری گفته شده: «ليس في الوجود الاتفاقى، اذ كل ما يحدث فهو راق، لعل بها وجوده وجب، يقول الاتفاق جاهل السبب» که اسباب همان سنن الهی و شناختن آنها می باشد فلذا باید سنن الهی را بشناسیم و

^۱ تحف العقول، ابن شعبة الحرانی، ص ۲۳۷.

^۲ سوره نور، آیه ۴۴.

شدن مسلمانان و مستضعفین جهان همین است که علماء با هم وحدت و اتفاق ندارند. خوب و اما بنده مدلول این حدیث را به پنج قسمت تقسیم کرده ام که این شاء الله در جلسات بعدی عرض خواهیم کرد. بقیه بحث بماند برای جلسه بعد این شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرين

جریانات تاریخی را به آنها ربط بدهیم و بعد تفکر کنیم و نتیجه بگیریم، مثلاً در آیه شریفه ذکر شده: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^۳ و یا: ﴿لَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۴ و یا: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾^۵ که تمام اینها از سنن الهی می باشند و کلاً قرآن کریم یک سلسله آیاتی دارد که مربوط به سنن الهی هستند که آشنائی با این سنن و ربط دادن قضایای تاریخی به آنها بسیار مهم می باشد لذا در چند جای قرآن کریم ذکر شده: ﴿فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا﴾^۶، یا در چند جای دیگر ذکر شده: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾^۷ یعنی تنها مطالعه نکنید بلکه مسافرت کنید و ببینید و عبرت بگیرید، خلاصه اینکه قرآن کریم توصیه می کند به اینکه مومنین حوادث مختلف را ریشه یابی کنند و آنها را با سنن الهی تطبیق بدهند و از آنها پند و اندرز بگیرند بنابراین امام رضوان الله علیه از راه تاریخ و اعتبار وارد شده و فرموده ما باید با این دید به حدیث مذکور نگاه کنیم و کلاً منظور ایشان این است که حضرت سید الشهداء علیه السلام در حدیث مذکور می خواهند بفرمایند اگر علماء با هم وحدت و اتفاق داشته باشند و به سنت الهی عمل کنند تمام امور مربوط به آنها می شود و جریان امور عالم و سیاست مداری و حکومت و مدیریت جامعه و امثال ذلك تماماً مربوط به علماء می شود، و علت اصلی مغلوب و تضعیف

^۳ سوره رعد، آیه ۱۱.

^۴ سوره ابراهیم، آیه ۷.

^۵ سوره اعراف، آیه ۹۶.

^۶ سوره فاطر، آیه ۴۳.

^۷ سوره عنکبوت، آیه ۲۰.